



## چند گام عقب تر...

حرف از وزارت ورزش و جوانان شد و یاد چند نکته مهم افتادم؛ اول از همه این که ما در چندین و چند شماره نوجوانه با قهرمان های ورزشی نوجوان زیادی صحبت کردیم و پای درد دل آنها نشستیم و اکثراً از مدارس خود گله داشتند. از این که مدرسه با آنها همراهی نمی کند، برای امتحانات به مشکل می خورد و نمی توانند همزمان که در اردوهای تیم ملی هستند، دانش آموز خوبی هم باشند. شاید در ظاهر یک انگشت اتهام به شمای دانش آموز باشد که مگر می شود همه چیز را با هم داشت؟ یا باید قید درس را بزنی یا ورزش را! همان طور که چندی قبل این بحث در فضای مجازی هم داغ شده بود. گاهی یک انگشت اتهام گرفته می شود به سمت مدرسان که چرا با قهرمان ملی خوب تا نمی کنید؟ چرا استرس درس و مدرسه و نمره هم به جانش می اندازید و شرایطش را درک نمی کنید؟ اما من می گویم باید شرایطی برای این دانش آموزان خاص طراحی بشود. با توجه به این که تعداد نوجوان های ورزشکار ماهر که مثل ستاره می درخشند روز به روز در حال افزایش است، باید چند گام عقب تر برویم و از زاویه دیگری به این ماجرا نگاه کنیم که چرا همکاری وزارت آموزش و پرورش در این ماجرا بیشتر نمی شود؟ اصلاً چرا این استعدادها نباید از اساس در مدرسه کشف بشوند؟ بگذارید منطوقم را طور دیگری عرض کنم. همه نوجوان ها این فرصت را ندارند که به سالن های ورزشی بروند یا خدا بخواهد و استعداد ورزشی خودشان را کشف کنند. اگر وزارت ورزش برای استعدادیابی ورزشی در مدارس جست و جو کند، چه؟ اگر این هم افزایی با آموزش و پرورش اتفاق بیفتد، بهتر نیست؟ آن وقت هم استعدادها از مناطق مختلف با بهره مندی های کم یا زیاد کشف شده اند و هم با استرس و دل نگرانی برای درس و نمره روی دوش دانش آموزان ورزشکار سنگینی نمی کند. چه بسا آن وقت با چنین دیگری بشود درس را هم در کنار ورزش حرفه ای جای داد تا از قلم نیفتد.

قبل تر هم این را عرض کرده بودم. در بحث استعدادیابی، مدارس می توانند نقش های پررنگ تری را ایفا کنند و از تأثیرگذارترین نهاد در مواجهه با نوجوانان بیشتر از اینها توقع می رود. با توجه به این که بخش زیادی از روز نوجوانان آنجا سپری می شود و نقش زیادی در ورود و تعامل با آنها در جامعه دارد.

همان طور که بسیاری از هنرمندان از دل تئاترهای درون مدرسه ای دیده شده اند و رشد کرده اند، همان طوری که مدرسه دکتر و مهندس پرورش می دهد، می تواند محلی برای کشف ورزشکار و قهرمان ملی هم باشد. البته اگر بخواهد استعدادیابی کند و با ارگان های هم سو، هم افزایی داشته باشد.

آموزش و پرورش همان طور که می خواهد نخبه ورزشی به عنوان معلم جذب کند، می تواند نخبه ورزشی شکوفا نشده را هم به وزارت ورزش معرفی کند.



# است!

## آن در مدارس

۷:۳۰ صبح با پاهایی که انگار به زور دارد روی زمین کشیده می شود و پشت لبی که هنوز کامل سبز نشده، سیگار را روی لب می گذارند و صاف صبحگاه، همان حرکات شل و بی جان تکراری که نامش را سیگار را جایی قایم می کنند که دست احدی به آن نرسد و من سؤال می کنم. سؤال دارم از آن فروشنده ای که به نوجوان می فروشد، و وارنگ شده است: تا کی قرار است خودمان را به آن راه بزنیم؟

## زنگ چه ورزشی؟

همیشه برایم سؤال است که چرا زنگ های زبان انگلیسی مدرسه من را در این درس مسلط نکرد؟ و حتی کلاس های درس عربی جز چند کلمه و شاید عبارت، آنچه می خواست را از درس عربی به من یاد نداد. تا زنگی ها این که چرا با آن همه زنگ های ورزش در هیچ رشته ورزشی ای مهارت ندارم هم به سؤالاتم اضافه شده است.

چهار زنگ در یک ماه تحصیلی برای یادگیری و مهارت آموزی فرصت خوبی است. چرا نه چیزی از بسکتبال سال هفتم عایدم شد و نه از فوتسال سال هشتم؟ بهتر نبود سه سال یک معلم روی یک رشته کار می کرد و این من بودم که انتخاب می کردم با کدام معلم و در چه رشته ای ورزش کنم؟ آیا برگزاری زنگ های ورزش به این شکل، تجربه بهتری نبود؟ بحث به معلم رسید. مطمئناً آنچه در هر کلاسی اهمیت دارد، معلم است؛ این که معلم در آن زمینه حرفه ای باشد، علاقه به تربیت شاگرد داشته باشد و هدفش پر کردن ساعت آموزشی نباشد، می تواند سطح آن زنگ را ارتقا بدهد. الان وضعیت بهتر است اما قبل تر هم های ورزش همان معلم های کار فناوری بودند که لابد از پشت میز معاونت پرورشی بلند شده بودند تا خیلی شسته رفته، ساعت بی درس ها را پر کنند. سنجش زنگ ورزش هم بستگی داشت به این که دانش آموز شلوار ورزشی پوشیده بود یا نه؟ آن طور که گفتیم و از حق نگذریم در حال حاضر وضعیت معلمان تربیت بدنی بهتر است. حتی چندی قبل با وزارت ورزش و جوانان صحبت شد که نخبه های ورزشی جذب آموزش و پرورش بشوند. این اقدام به خودی خود می تواند بسیار تأثیرگذار باشد. اما سبب اینجاست که آیا این نخبه ها جذب می شوند؟ وضعیت معلم به نحوی است که نخبه ورزشی دلش آب بشود برای شرایطی می تواند با ورود به آموزش و پرورش تجربه کند؟ آیا با آموزشی خصوصی یا کار کردن در سالن های ورزشی، وضعیت مالی بهتری خواهند داشت؟ و شاید در مقایسه با راکت های کهنه یا توپ های یکی در میان پر و کم باد مدارس، امکانات ورزشی بهتری هم در اختیارشان قرار بگیرد. از طرفی می دانند جای پای کلاس شان محکم است و قرار نیست کسی وقت کلاس را بگیرد تا به جایش ریاضی کار کند!

به نظر بنده آنچه باید مورد بررسی قرار بگیرد، چنین کلی و پایه ای یک سری چیزهاست. وقتی راهکارهایی ولو خوب آنچنان که باید نتیجه نمی دهد، باید به ریشه ها نگاه کنیم و گاه خودمان را با آموزش و پرورش های موفق در دنیا مقایسه کنیم. گاهی هم بهتر است به سیره اولیا و انبیا نگاه کنیم و توصیه هایی که برای تربیت داشته اند. گاهی هم خوب است که یک جامعه یا یک ارگان، جسارت تغییرات بنیادین را داشته باشد یا حداقل حرفش را به زبان بیاورد. هر چند که آموزش و پرورش کوپن همه تغییرات بنیادین اش را برای کنکور می سوزاند و هر سال، گلی را به سبزه آراسته می کند.

# زنگ ورزش

